

تحلیل کنش‌های امنیتی منطقه خلیج فارس بر اساس هرم مازلو

یدالله کریمی‌پور،^۱ جهانگیر حیدری،^۲ منیر یاری^۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۷/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۱۹

از صفحه ۱ تا ۳۲

پژوهشنامه جغرافیای انظامی

سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲

چکیده

به اعتقاد مازلو، نیازهای ذاتی انسان، فعال کننده و هدایت کننده رفتارهای او است و روش‌هایی که برای ارضای آن‌ها به کار گرفته می‌شود، اکتسابی بوده و در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت هستند. از آنجا که این نیازها به صورت سلسله مراتبی منظم شده‌اند تا زمانی که نیازهای پایین‌تر که شدت بیشتری دارند ارضا نشوند، نیازهای بالاتر فعال نمی‌شوند. کشورها نیز در راستای حفظ و استمرار موجودیت و بقای خود به ترتیب سلسله مراتبی هرم مازلو دارای نیازها و اهدافی هستند که در عرصه‌ی سیاست خارجی و داخلی - براساس شرایط ژئوپلیتیک و فضای راهبردی حاکم بر منطقه - درصد مرتفع کردن آن نیازها هستند. در منطقه خلیج فارس با توجه به تعدد منابع تنش، واکنش‌های کشورهای بیشتر معطوف به موضوع امنیت است که در سطح دوم هرم سلسله مراتبی مازلو قرار دارد. اهمیت این موضوع در منطقه خلیج فارس چنان افزایش یافته که به هدف اولیه‌ی سیاست خارجی کشورهای منطقه مبدل شده و نوعی رویکردهای تعارض برانگیز و رقابت‌آمیز را به منظور دستیابی به امنیت، شکل داده است. بنابراین دستیابی به دیگر نیازها مانند؛ احساس تعلق و روابط دوستانه، احترام متقابل نسبت به ارزش‌ها، اعتمادسازی و خودکوفایی درون منطقه‌ای در گرو گذر از سطوح پایین هرم نیاز است. از این رو این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که با توجه به هرم مازلو، کنش‌های رفتاری کشورهای پیرامون خلیج فارس در کدام سطح این هرم قرار دارند و عوامل مؤثر بر این وضعیت کدام‌اند؟ به سبب پرشماری منابع تنش مانند؛ ایران هراسی، اختلافات مرزی، تحول در توازن قوا در منطقه و... کنش‌های رفتاری کشورهای منطقه متوجه سطح دوم یا نیازهای امنیتی هرم مازلو است که بازتاب‌های آن در قالب مسابقات تسلیحاتی، پیوند راهبردی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای، اتخاذ رویکردهای متعارض در عرصه سیاست خارجی و... نمود یافته است.

کلید واژه‌ها: هرم سلسله مراتبی مازلو، منطقه خلیج فارس، سیاست خارجی، امنیت.

۱- استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران

۲- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران، نویسنده مسئول، رایانامه: jahanheydari@yahoo.com

۳- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه پیام نور تهران

مقدمه

نیاز به امنیت از بنیادی‌ترین نیازهای جوامع بشری به شمار می‌رود، زیرا رشد، شکوفایی، بروز استعدادها و خلاقیت‌ها و نیل به همه کمالات انسانی در سایه امنیت به دست می‌آید (قرایی، ۱۳۸۹: ۱۸). بنابراین، صلح مصلحت است، زیرا با زندگی فطری انسان‌ها هم‌خوانی دارد و در شرایط صلح، کمال و سعادت انسان امکان‌پذیرتر است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰). امنیت مهم‌ترین دل‌مشغولی در عرصه بین‌الملل بوده و به همین دلیل اغلب الگوهای رفتاری معطوف به تأمین آن است (قاسمی، ۱۳۸۸: ۵۸). بنابراین جنگ، دفاع و امنیت، کالایی عمومی است که تدارک آن از سوی دولت صورت می‌گیرد (کریمی‌پور، ۱۳۹۰: ۳۲) به عقیده مازلو^۱ هنگامی که نیازهای فیزیولوژیک برآورده شوند، بلافاصله مردم توجه‌شان به برآورده کردن نیازهای سطح بالاتر نظیر امنیت جلب خواهد شد (قرایی، ۱۳۸۹: ۱۹). روش و رویکردهای غلبه بر این نیازها از آنجا که اکتسابی هستند، در جوامع مختلف متعدد و متنوع می‌باشند. در ارتباط با تقابلات و تعاملات کشورها با یکدیگر نیز وضعیت چنین است، عواملی از قبیل؛ توان محیطی، منابع و معادن راهبردی، موقعیت خاص جغرافیایی و ژئوپلیتیک، پیشینه اختلافات تاریخی، مرزی و قومی، تعارضات موجود در سیاست خارجی و در کل، فضای راهبردی حاکم بر مناطق، رویکرد ارضای نیازها و غلبه بر تنگناها و اندرکنش کشورهای مناطق را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در منطقه خلیج فارس، منابع تنش و تهدید از چنان تراکمی برخوردارند که خانم لنور مارتین، تعداد منازعات دریایی در این منطقه را ۲۳ مورد ذکر می‌کند و پیروز مجتهدزاده نیز در میان هشت کشور ساحلی خلیج فارس به بیش از پنجاه مورد اختلافات ارضی و مرزی اشاره کرده است (زین‌العابدین، ۱۳۸۵: ۸۳).

بنابراین اندرکنش کشورها بیشتر معطوف به موضوع امنیت بوده و دیدگاه‌های امنیتی بر روابط حاکم شده است. همچنین دستیابی به دیگر نیازها مانند؛ احساس تعلق و روابط دوستانه و صلح‌آمیز، احترام متقابل نسبت به ارزش‌های قومی، مذهبی و تاریخی، اعتمادسازی و خودشکوفایی درون منطقه‌ای و حرکت به سوی حل مشکلات و مهار بحران‌ها با انگیزه و انرژی درون منطقه‌ای در گرو گذر از سطوح پایین هرم مازلو،

به‌خصوص مقوله‌ی امنیت است. بنابراین، این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ به این سؤال است که با توجه به هرم مازلو، کنش‌های رفتاری کشورهای پیرامون خلیج فارس در کدام سطح این هرم قرار دارد و عوامل مؤثر بر این وضعیت کدام‌اند؟ به سبب منابع متعدد تنش و کانون‌های بحران در منطقه از قبیل؛ ایران‌هراسی، اختلافات مرزی، قومی و مذهبی، تحول در توازن قوا در منطقه و... کنش‌های رفتاری کشورهای منطقه متوجه سطح دوم یا نیازهای امنیتی هرم مازلو است که بازتاب‌های آن در قالب مسابقات تسلیحاتی و نظامی‌گری، پیوند راهبردی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای، اتخاذ رویکردهای متعارض در عرصه سیاست خارجی و... نمود یافته است.

هرم نیازهای انسانی مازلو

آبراهام مازلو در ایده خود بر ارزش‌های انسانی تأکید فراوان داشت و توجه انسان به این ابعاد را معیار خودشکوفایی و رشد شخصیتی دانست. وی باور دارد که انسان باید در ابتدا نیازهای فیزیولوژیک، ایمنی، احترام و عشق را در خود برطرف کند تا به مرحله‌ی تحقق خود برسد (شاملو، ۱۳۷۷: ۱۱۱). به اعتقاد مازلو، همه افراد در بدو تولد نیازهای معینی دارند، ولی رفتارهایی که برای ارضای آن‌ها به کار می‌گیرند، اکتسابی است و از فرهنگی به فرهنگ دیگر فرق می‌کنند. این نیازها به ترتیب نیرومندترین تا ضعیف‌ترین آن‌ها به صورت سلسله مراتبی منظم شده‌اند. از این‌رو تا زمانی که نیازهای پایین‌تر که شدت بیشتری دارند، ارضا نشوند، نوبت به ظهور و فعالیت نیازهای بالاتر نمی‌رسد (بولقاسمی و کردی، ۱۳۸۹: ۱۰۹). ایده محوری این نظریه این است که نیازهای انسانی از لحاظ رشد و تسلط بر رفتار، ترتیب سلسله مراتبی دارند، یعنی هر چه نیاز در مرتبه پایین‌تر سلسله مراتب قرار داشته باشد، زودتر در فرآیند رشد آشکار می‌شود. نکته دیگر اینکه نیازهای پایین‌تر، قوی‌ترین انگیزه‌های حاکم هستند، در حالی که نیاز خودشکوفایی ضعیف‌ترین انگیزه‌ها است (شجاعی، ۱۳۸۶: ۹۲).

ترتیب نیازها در هرم سلسله مراتبی نیازهای مازلو

۱- نیازهای فیزیولوژیکی^۱ از بنیادی‌ترین و نیرومندترین نیازهای آدمی به شمار می‌روند و در درجه اول اهمیت قرار دارند. گرچه این نیازها می‌توانند در فرهنگ‌های مختلف دارای تنوع فراوانی باشند، اما عمده‌ترین آنها عبارت از: نیاز به غذا، آب، اکسیژن و خواب و استراحت هستند. این مجموعه از نیازهای زیستی به عنوان نیروهای برانگیزنده رفتار مردم در فرهنگ‌هایی که بقای صرف برایشان هدف اساسی است، دارای ارزش و اهمیت بسیار زیادی است (حقیقی و همکاران، ۱۳۷۹:۱۰۴).

۲- نیازهای ایمنی^۲: پس از رفع نیازهای جسمانی، نیازهای ایمنی مانند؛ ثبات، امنیت، حمایت، نظم، رهایی از ترس و اضطراب قرار می‌گیرند (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۱:۱۹). این بُعد در کودکان و بزرگسالان روان‌رنجور از شدت و اهمیت بیشتری برخوردار هستند. ارضای این دسته از نیازها مستلزم برخورداری از امنیت، ثبات، نظم، ساختار و رهایی از ترس و اضطراب است (حقیقی و همکاران، ۱۳۷۹:۱۰۵).

۳- نیاز به عشق و وابستگی: هنگامی که انسان زیر نفوذ و تسلط نیازهای زیستی و ایمنی نیست، نوبت به تجلی و فعالیت نیازهای عشق و تعلق^۳ می‌رسد. این گروه از نیازها در دوره‌های مختلف رشد و در شئون گوناگون حیات، اشکال متفاوتی به خود می‌گیرند. به طور کلی، روابط اجتماعی، پیوندهای عاطفی با دوستان و نزدیکان و تعلق خاطر نسبت به همسر و فرزند از جلوه‌های این نیازها به شمار می‌روند (حقیقی و همکاران، ۱۳۷۹:۱۰۵).

۴- نیاز به احترام^۴: این بُعد در چهارمین مرتبه از سلسله مراتب نیازها قرار دارد و برای آن می‌توان دو شکل تصور کرد. یکی احساس نیاز به احترام از سوی خود به شکل

۱- Physiological needs

۲- Safety needs

۳- Belongingness and love needs

۴- Esteem needs

احساس خود ارزشمندی و دیگری احساس نیاز به احترام از سوی دیگران به شکل احساس موفقیت اجتماعی و کسب شهرت است (حقیقی و همکاران، ۱۳۷۹: ۱۰۵). از نظر مازلو، احترام دیگران به ما و احترامی که منشاء خارجی دارد، می‌تواند بر پایه اشتهار، تحسین، موقعیت، وجهه یا موفقیت اجتماعی باشد، یعنی همه ویژگی‌هایی که به طرز تفکر و واکنش دیگران در مورد ما مربوط می‌شوند (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۰).

۵- نیاز به خودشکوفایی: بالاترین نیاز در سلسله مراتب نیازهای مازلو، نیاز به خودشکوفایی^۱ است. اگر همه نیازهای مراتب پایین برآورده شده باشند، ولی فرد به مرحله خودشکوفایی، یعنی تحقق استعدادها و ظرفیت‌های بالقوه خویش نرسیده باشد، باز هم احساس خلاء و ناکامی می‌کند. به گمان مازلو، خودشکوفایی الزاماً به نوعی فرآورده هنری مانند موسیقی، نقاشی و شعر منجر نمی‌شود، بلکه می‌تواند اشکال فراوانی به خود بگیرد و دارای جلوه‌های گوناگونی باشد. در یک نگاه کلی، مردم در همه شئون زندگی می‌توانند قابلیت‌ها و استعدادهای نهفته خود را آشکار و شکوفا کنند (ابولقاسمی و کردی، ۱۳۸۹: ۱۱۰). شکل شماره یک طبقه‌های این هرم را نشان می‌دهد.



شکل ۱: هرم سلسله نیازهای مازلو (۱۹۵۴)

۱- Self - actualization

فضای راهبردی حاکم بر منطقه خلیج فارس

براساس یک رهیافت ژئوپلیتیک محور، ریشه شکل‌گیری بحران، جنگ و تداوم نظامی‌گری به علت پرشمار بودن و پیچیدگی زمینه‌های اختلاف و کشمکش‌های سرزمینی، مرزی و فرهنگی پیرامون خلیج فارس است (کریمی‌پور، ۱۳۹۰: ۲۹). در این گستره، ایران، عراق و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس وجود دارند و بیشترین حجم ستیزش، درگیری و روبرویی نظامی را طی سه دهه اخیر دارا بوده است (قاسمی، ۱۳۸۹: ۶۷). با حملات عربستان به شمال یمن، این کشور نیز به شدت در معرض پیامدهای قدرت نامتقارن همسایه خود یعنی عربستان قرار گرفته است (قاسمی، ۱۳۸۹: ۸۱). اشغال کویت در اوت ۱۹۹۰ توسط رژیم بعثی عراق نیز بستر را برای دگرگونی فضای منطقه‌ای در خلیج فارس فراهم آورد. همچنین در سال ۱۹۸۰، صدام حسین با استناد به اختلافات مرزی متعدد ایران و عراق و بانگیزه معرفی عراق به عنوان قدرت مسلط در منطقه، حمله به همسایه شرقی را از سر گرفت (تریپ، ۲۰۰۷: ۳۵۷). در جریان این جنگ، عامل ناسیونالیسم عربی زمینه‌ساز اتحاد کشورهای عرب شد (آلیسون، ۲۰۰۵: ۱۰۱)، بنابراین تحولات مبتنی بر آتش و خون به طور متوالی در این منطقه به وقوع پیوسته و تهدیدها اغلب به صورت حاد و مزمن بوده‌اند (تائب و خلیلی، ۱۳۸۶: ۱۳۵). قیاس این وضعیت حاکم بر منطقه خلیج فارس با عناصر موجود در هرم سلسله مراتبی مازلو، نشان از چیرگی فضای امنیتی بر منطقه دارد، چنین فضایی زمینه‌ساز تکاپوی کشورهای موجود در منطقه به منظور دست یافتن به امنیت شده است. بنابراین در سایه چنین فضایی، نیازها و عوامل عالی‌تری مانند اطمینان و هم‌باوری متقابل، ارزش‌مداری و فرهنگ‌محوری در درون‌مایه سیاست‌های داخلی و خارجی به دست فراموشی سپرده شده است. بنابراین در ادامه به بررسی شاخص‌های امنیتی منطقه خلیج فارس از دیدگاه هرم مازلو می‌پردازیم.

شاخص‌های امنیتی منطقه خلیج فارس از دیدگاه هرم مازلو

۱- Tripp

۲- Alyson

از آنجا که اکثر کشورهای منطقه خلیج فارس در اواخر قرن بیستم به استقلال رسیده‌اند و تجربه‌ی آنچنانی در زمینه مملکت‌داری و دولت - ملت‌مداری نداشته‌اند با چالش‌هایی اساسی مواجه هستند. علاوه بر این، تنگناهای جغرافیایی و متغیرهای ژئوپلیتیک فراوان در منطقه وجود دارند که در راستای امنیت‌زدایی فعالیت می‌کنند. از دیدگاه هرم مازلو، پرشماری منابع تنش در این منطقه، نشان از قرارگیری این کشورها در سطح دوم (امنیتی) هرم دارد، مهم‌ترین نشانگان این مدعا به شرح زیر دسته‌بندی شده‌اند.

ژئوپلیتیک شیعه

پراکندگی گروه‌های مذهبی یکی از شاخص‌های ژئوپلیتیکی موجود در خاورمیانه است که بر گفتمان‌های امنیتی موجود در شبکه تأثیرگذار است. از این منظر، برخی شکل‌گیری هلال شیعه را در سطح منطقه مطرح کرده‌اند. به‌عنوان مثال، ملک عبدالله پادشاه اردن در دسامبر سال ۲۰۰۴، شکل‌گیری هلال شیعه را به عنوان خطری که خاورمیانه را تهدید می‌کند، مطرح کرد.^۱ از دیدگاه نخبگان سنی جهان عرب، ابزار اصلی ایران در افزایش نقش منطقه‌ای خود، گروه‌های شیعی طرفدار در منطقه، به خصوص در عراق و لبنان هستند. شیعیان حاشیه خلیج فارس در یک خط ساحلی که تقریباً تمامی سواحل خلیج فارس را در بر دارد، ساکن بوده و با توجه به نفت‌خیز بودن این سرزمین‌ها، به طور کلی می‌توان گفت به لحاظ جغرافیایی مهم‌ترین بخش‌های خلیج فارس در انحصار شیعیان است (ملک‌محمدی، ۱۳۹۱: ۲۳۳). همچنین از دید دولت‌های خلیج فارس، تحولی در راستای افزایش قدرت ایران و نقش شیعیان در منطقه‌ی خاورمیانه شکل گرفته و یک هلال شیعی از لبنان تا پاکستان ایجاد شده است که می‌تواند تحت هدایت ایران قرار گیرد. در نگاه اعراب منطقه، عراق با حاکمیت یافتن شیعیان و کردها از یک قدرت عربی توازن‌بخش در مقابل ایران، به کشوری تحت‌نفوذ ایران درآمده است. از نظر آن‌ها، عراق همواره باید در مقابل و نه در کنار ایران باشد (اکبر، بی تا: ۶۰). اما امروزه دَوَل عرب از این بابت نگران هستند که دولت عراق شکننده بوده و بیش از حد وابسته به ایران است (کنینمونت، ۲۰۱۳: ۲). به طوری که در اواخر



سال ۲۰۰۴، ملک عبدالله (پادشاه اردن) ادعا کرد که نتیجه اصلی جنگ در عراق، شکل‌گیری یک اتحاد شیعی شده و دوم این‌که این اتحاد شیعی توسط تهران هدایت خواهد شد (حاجی یوسفی، ۱۳۸۹: ۱۱۹). عربستان سعودی نیز عراق جدید را از نظر میزان نفوذ زیاد ایران که منجر به توانمندسازی گروه‌های مذهبی شیعه می‌شود، چالش عمده‌ای قلمداد می‌کند (جین، ۲۰۱۳^۱: ۳۵).

تغییرات و تحولات موازنه قدرت در منطقه

کار ویژه موازنه قوا آن است که ترازمندی قدرت را به گونه‌ای ایجاد کند که هیچ کشوری یا ائتلافی از کشورها در وضعیتی برتر قرار نگیرد و بر سایر کشورها چیره نشود. گاه تغییر موازنه قدرت به طور ناخواسته در جریان تحولات عرصه بین‌المللی به سود یا زیان یک کشور تغییر می‌کند. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ شاهد مثالی از این تغییر موازنه به سود جمهوری اسلامی ایران بود (پوراحمدی، ۱۳۹۲: ۱۶۹). البته در سال ۱۳۵۷، وقوع انقلاب اسلامی در ایران موجب شد تا یک قدرت عمده منطقه‌ای از سلطه آمریکا خارج و از نفوذ آمریکا در خلیج فارس کاسته شود و تعامل بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های فرامنطقه‌ای در این منطقه در دهه ۱۹۸۰ پیچیده‌تر شود. در واقع، وقوع انقلاب اسلامی در ایران، باعث ظهور بازیگر منطقه‌ای چالش‌گر در برابر هژمونی و تسلط آمریکا در منطقه شد (ملک‌محمدی، ۱۳۹۱: ۲۲۹). همچنین با حمله آمریکا و هم‌پیمانانش در تاریخ ۱۹ مارس ۲۰۰۳ به عراق، رقیب دیرینه ایران (صدام)، بدون هزینه‌ای برای تهران سقوط کرد و بدین ترتیب موازنه قوا به نفع ایران در منطقه تغییر یافت (پوراحمدی، ۱۳۹۲: ۱۷۴). سقوط صدام حسین باعث شد که نظم گذشته در منطقه فرو ریخته و هر یک از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در صدد برقراری نظم مورد نظر خود برآیند (ملک‌محمدی، ۱۳۹۱: ۲۳۲). از طرفی طی چند سال اخیر جریان موسوم به بهار عربی، منجر به سقوط متحدان کلیدی ایالات متحده در مصر و یمن و تضعیف سلطنت بحرین شده و کاهش بودجه نظامی دفاعی آمریکا، منابع کمتری را برای اجرای تعهدهای امنیتی آن باقی گذاشته است (پتی‌جان و مونتگومری، ۲۰۱۳^۲).

۱- Jane

۲- Pettyjohn & Montgomery

این در حالی است که اعراب به طور سنتی و از گذشته تا کنون تلاش داشته‌اند تا موازنه قدرت را با ایران در خاورمیانه و به ویژه خلیج فارس برقرار کنند. تقریباً همه دولت‌های عرب به جز سوریه، به لحاظ سیاسی، اقتصادی و نظامی در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران از رژیم صدام حمایت کردند (اشقلی، ۱۳۸۵: ۲۴). با این تفاسیر، فقدان توازن قوا در منطقه سبب ایجاد بلوک‌بندی‌های سیاسی و نظامی بین کشورهای حوزه خلیج فارس شده که منجر به بروز تعارضات و اختلافاتی در روابط بین کشورهای منطقه شده است. اگر چه این کنش‌ها نشان از پی بردن کشورهای منطقه به اهمیت مقوله امنیت است اما تداوم این نوع اختلافات به صورت غیر مستقیم و حضور کشورهای فرامنطقه‌ای و وارد شدن آنها به امضای پیمان‌ها و اتحادیه‌های نظامی و جبهه‌های سیاسی به طور مستقیم بر امنیت خلیج فارس تأثیرگذار است (حسینی، ۱۳۹۱: ۳۸۱).

رواج پدیده ایران هراسی

جمعیت پایین کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و کمبود نیروی انسانی از یک سو و عملیات روانی ایران هراسی توسط تولیدکنندگان تسلیحات در جهان از سوی دیگر و همچنین دو جنگ اخیر در خلیج فارس (افشردی، ۱۳۹۱: ۱۲۷)، زمینه‌ساز شکل‌گیری پدیده ایران هراسی شده‌اند. البته باید توجه کرد که ایران به طور تاریخی به لحاظ قدرت از همسایگان خود، به ویژه همسایگان جنوبی برتر است. از این‌رو، آنان همواره نگران قدرت ایران بوده‌اند و هرگاه در موقعیت و قدرت ایران تغییرات آشکار رخ داده است، این نگرانی به هراس تبدیل شده است. جنجال بی‌سابقه غرب و آمریکا در خصوص فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، طرح اتهامات بزرگ درباره دخالت ایران در برخی کشورها و... از نشانگان تلاش غرب برای گسترش ایران هراسی و شیعه‌هراسی در ذهنیت برخی سران عرب است (ملک‌محمدی، ۱۳۹۱: ۲۲۸). در جدول شماره یک وضعیت کشورهای منطقه خلیج فارس در جوانب گوناگون جمعیت، مساحت، تعداد نیروی نظامی و... نشان داده شده است. وضعیت برتر ایران، زمینه‌های هراس‌پروری در اذهان سران دیگر کشورها را فراهم کرده است.

جدول شماره ۱. مقایسه وضعیت کشورهای پیرامون خلیج فارس^۱

کشور/مشخصات	مساحت (کیلومتر مربع)	جمعیت	تعداد نیروی نظامی	هزینه‌های نظامی
ایران	۱۶۴۸۱۹۵	۷۳۸۶۰۰۰۰	۵۴۵۰۰۰	۹۹۸۳ (میلیون دلار)
عربستان سعودی	۱۹۶۰۵۹۲	۲۵۹۸۸۰۰۰	۲۱۴۵۰۰	۳۹۷۶۶ (میلیون دلار)
امارات متحده عربی	۸۲۸۸۰	۴۷۰۷۳۰۷	۵۱۰۰۰	۱۴۲۹۳ (میلیون دلار)
کویت	۱۷۸۲۰	۲۸۶۳۰۰۰	۱۵۵۰۰	۷۰۸۹ (میلیون دلار)
قطر	۱۱۴۳۷	۱۵۰۸۳۲۲	۱۱۸۰۰	۱۸۲۲ (میلیون دلار)
بحرین	۶۶۵	۸۰۷۱۳۱	۸۲۰۰	۵۷۵ (میلیون دلار)
عمان	۲۱۲۴۶۰	۲۹۰۵۱۱۴	۴۰۶۰۰	۴۸۶۱ (میلیون دلار)
عراق	۴۳۷۰۷۲	۳۲۲۹۷۳۹۱	۱۶۵۸۰۰	؟

آن چه تحت عنوان «ایران هراسی» نامیده می‌شود بر بستر برخی واقعیت‌ها در منطقه و وارونه‌نمایی برخی دیگر شکل گرفته تا در پرتو آن هزینه قدرت‌یابی ایران به‌نحوی افزایش یابد که انتقال قدرت، غیرممکن شود (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۹۳). از فردای انقلاب اسلامی، پادشاهی سعودی مانند دیگر پادشاهی‌های شبه‌جزیره عرب، خود را در برابر تهدید ایدئولوژیک فرامرزی نوینی یافت که نظر به اسلامی‌بودن، جذابیت مردمی آن بسیار خطرناک‌تر از نیروهای چپ شبه‌جزیره به‌نظر می‌رسید (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۴۹). در جریان اعتراضات اخیر بحرین، تلاش‌های بسیاری از سوی رژیم آل خلیفه و رسانه‌های عربی صورت گرفت تا قیام مردم بحرین جنبشی فرقه‌ای و شیعی و متأثر از ایران مطرح شود (نیاکویی، ۱۳۹۰: ۲۵۹). همچنین آمریکا و اسرائیل در تلاش هستند تا نظام حکومتی ایران را به‌عنوان خطر افراط‌گرایی بنیادگرایانه جایگزین تهدید اسرائیل علیه رژیم‌های منطقه معرفی کنند (سیف‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۰). از طرفی سیاست خارجی انقلابی و در رأس آن، اعلام سیاست صدور انقلاب اسلامی که نگرانی‌های امنیتی عربستان سعودی را هرچه بیش‌تر برانگیخت، در تشدید این امر دخیل هستند (ابراهیمی، ۱۳۸۳: ۵۵۳). در کل، این پدیده به‌عنوان شاخصی که موضوع امنیت در منطقه را بغرنج‌تر می‌کند، قلمداد می‌شود.

ضعف مشروعیت داخلی (دولت رانتیر و جامعه مدنی ضعیف)

وجود دولت‌هایی که برای مدیریت سرزمین و مردم نیازی به شهروندان نداشته باشند، به معنی آن است که چنین دولت‌هایی در برابر آنان پاسخ‌گو نخواهند بود (کریمی‌پور، ۱۳۹۰: ۳۷). دولتی که از لحاظ مالی از مردم خود مستقل است به شیوه‌های گوناگون بنیان‌های دموکراسی را از ابتدا ریشه کن می‌کند. از سوی دیگر، دولت بزرگ و ثروتمند متکی به رانت، از پیدایش طبقه سرمایه‌داری که بخواهد حافظ منافع خود و در نتیجه، خواسته‌های سیاسی داشته باشد، جلوگیری می‌کند و اجازه نمی‌دهد از ابتدا چنین طبقه‌ای در کشور شکل بگیرد. همچنین دولت‌های صادر کننده نفت از درآمد بالای خود برای سرکوب استفاده می‌کنند (موثقی، ۱۳۹۱: ۲۵۷).

از طرف دیگر در منطقه خلیج فارس، کشورها بخش‌های غیر همسانی در ابعاد قومی و مذهبی دارند. بخش‌هایی که با حکومت مرکزی سازگار نیستند و قدرت مرکزی هم سعی در واپایش این بخش‌ها دارد (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۱۵)، این بخش‌ها و اقلیت‌ها عامل تخریب کننده مشروعیت داخلی تعدادی از کشورهای منطقه هستند. نابرابری گسترده در این کشورها در بین اقلیت‌های قومی و مذهبی و سیاست‌های تبعیض‌آمیزی که در مورد این گروه‌ها به کار برده می‌شود، باعث به وجود آمدن موج عظیمی از نارضایتی در این کشورها شده است (سیف‌زاده و روشندل، ۱۳۷۹: ۳۸). همچنین رژیم‌های سیاسی مستقر در حاشیه خلیج فارس از نظر ساختار اقتدارگرایی سیاسی و حاکمیت خاندان‌های خاص، همانندی‌های مهمی با هم دارند (اسدی، ۱۳۹۱: ۶). نوع حکومت در این کشورها، عشیرگی و خاندانی است و با بافت اجتماعی و مسائل عصر جدید تناسبی ندارد، این رژیم‌ها طی سالیان اخیر تحت فشار مردم کشورشان بوده‌اند (نیاکوئی، ۱۳۹۰: ۲۶۰). خانوادگی بودن ساختار دولت در حاشیه جنوبی خلیج فارس، زمینه‌ساز جدا افتادن و رسمی شدن رانت‌خواری‌های گسترده در بالای هرم حکومتی شده است (کریمی‌پور، ۱۳۹۰: ۳۹). از طرفی نیز این باور در کشورهای خلیج فارس رایج است که به جای دموکراسی لازم است تا از حکومت‌های مقتدر حمایت به عمل آید، حکومت‌هایی که با جهت‌گیری‌های عمومی آمریکا موافق هستند. بنابراین با «دموکراسی‌سازی» هماهنگی نداشته و آن را عامل بی‌ثباتی تلقی می‌کنند (تائب، ۱۳۸۶: ۱۴۹). این وضعیت نیز تهدیدی جدی برای مشروعیت داخلی این نظام‌ها به شمار می‌آید.

رقابت ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای

اگر داده‌های سیاست خارجی گروهی از واحدهای سیاسی را که در یک منطقه معین جغرافیایی واقع شده‌اند، مطالعه کنیم، متوجه می‌شویم که با وجود وجوه مشترک ساختاری، اعتقادی، ارزشی، زبانی و تاریخی میان آن‌ها، هر یک منافع خاصی را دنبال می‌کنند که با منافع دیگران در تعارض است (قوام، ۱۳۸۹: ۹) و در عمل از خط‌مشی‌های یکسان پیروی نمی‌کنند. بدین صورت تحت‌تأثیر تعدد ساختارهای ناهمانند در منطقه‌ی خلیج فارس و اتخاذ جهت‌گیری‌های متعارض از جانب واحدهای سیاسی در عرصه سیاست خارجی، فضای راهبردی حاکم بر منطقه، رقابتی و کمابیش خصمانه است. این عامل به‌عنوان یک کد ژئوپلیتیک از جانب قدرت‌های فرمانطقه‌ای قلمداد شده و حضور نظامی خود را در منطقه موجه می‌کنند (خلیلی، ۱۳۹۲: ۱۳۳). یکی از مهم‌ترین مسائلی که مقوله امنیت را در منطقه خلیج فارس تحت تأثیر قرار داده است، رقابت‌های منطقه‌ای در قالب‌های گوناگون و پیامدهای ناشی از آن است. سه قدرت مهم منطقه‌ای در خلیج فارس که با روش‌های مختلف با هم در رقابت هستند، عبارتند از ایران، عربستان و عراق. امروزه با تضعیف نقش عراق از لحاظ اقتصادی و نظامی، شاید بتوان قطر را جایگزین آن کرد (حسینی، ۱۳۹۱: ۳۸۰). رقابت این کشورها که داعیه برخورداری از منزلت ملی برتر در منطقه را دارند، از طرفی روابط بین آنها را متشنج کرده و از طرف دیگر، هراس از رواج یک امپراتوری فرعی و هژمونی منطقه‌ای، ضعف کشورهای کوچک منطقه را عیان‌تر کرده و آنها را هراسان می‌کند.

یکی از تعارضات دیگر، مسئله هسته‌ای ایران است. مقامات عربستان سعودی به عنوان تأثیرگذارترین دولت جهان عرب، بر این اعتقاد هستند که هسته‌ای شدن ایران زمینه تسلط سیاسی و نظامی ایران بر خاورمیانه و خلیج فارس را فراهم خواهد کرد. مقامات ریاض، هسته‌ای شدن خویش را الزامی تلقی می‌کنند و براساس گزارش‌ها و اسناد موجود در پی دستیابی به فن‌آوری هسته‌ای با کمک پاکستان هستند (اشق‌لی، ۱۳۸۵: ۲۵). اکثریت اعراب و به‌ویژه عربستان سعودی و مصر، هسته‌ای شدن خویش را ضروری می‌دانند و از روش‌های مختلف درصدد دستیابی به این فن‌آوری هستند.^۱

از دیگر عواملی که با فرایند رقابت‌های ژئوپلیتیک در منطقه هم‌پیوندی معناداری دارد، موضوع تضادها و رقابت‌های مذهبی است. عربستان سعودی از نظر جغرافیایی، قلب جهان اسلام به حساب می‌آید، زیرا دو شهر مکه و مدینه، یعنی مقدس‌ترین اماکن اسلامی را دربرمی‌گیرد (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۵۶). درحالی که عربستان خود را به‌عنوان خادمین الحرمین شریفین و وارث تمدن اسلام می‌داند، ایران نیز خود را تنها کشوری معرفی می‌کند که دارای اسلام واقعی است و حکومت آن در پی احیای اسلام راستین است. این دو نقش متعارض، باعث واگرایی بین ایران و عربستان از یک‌سو و کشورهای خلیج فارس از سوی دیگر شده است (روحی، ۱۳۹۰: ۹۴).

تضادهای قومی و ایدئولوژیکی در ابعاد داخلی و منطقه‌ای

اختلافات نژادی- مذهبی پرشماری در میان کشورهای منطقه خلیج فارس با ایران وجود دارد، از طرفی قدرت‌های فرامنطقه‌ای حاضر در منطقه به منظور سودبردن از رقابت‌های داخلی به این نوع اختلافات دامن می‌زنند که نتیجه آن تبدیل شدن منطقه به یک نوار شکننده بوده است (کوهن، ۱۳۸۷: ۶۵۴). پشتیبانی گسترده کشورهای خلیج فارس از عراق در جریان جنگ با ایران بارزترین جلوه هم‌بستگی آن‌ها در چارچوب پدیده «قومیت عرب» بود (حیدری‌عبدی، ۱۳۷۸: ۵۷). از طرفی، مذهب شیعی ایران نیز همچنان مانعی برای روابط نزدیک‌تر این کشور با همسایگان سنی در جهان عرب و کشورهای اسلامی در شرق آن است (کوهن، ۱۳۸۷: ۷۱۵). نقش تفاوت‌های مذهبی در ایجاد تعارض‌های ژئوپلیتیک در شمال و جنوب خلیج فارس به استثنای افغانستان از تمام فضای پیرامونی ایران حادث‌تر است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۸۰). ملل عرب‌زبان نیز علی‌رغم داشتن زبان و مذهب مشترک و تلاش‌های فراوان سیاست‌مداران عرب برای تبلیغ ایدئولوژی پان‌عرب، هنوز هم خود را مللی متفاوت از یکدیگر می‌دانند که دارای اختلافات فراوان هستند (رضایی و حیدری‌فر، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

شکاف مذهبی در دو سوی خلیج فارس بین ایران و عرب‌ها و خود امیرنشین‌ها با یکدیگر و همچنین حاکمان با شهروندان، وجود گسل‌های قومی، فرهنگی، زبانی و به‌ویژه بدبینی‌های تاریخی از تنگناهای همکاری‌های راهبردی و در عین حال، منبعی پایه‌ای برای عمیق‌تر شدن تعارض‌های موجود است. یکی از جلوه‌های فعال تعارض‌های

مذهبی، کوشش‌های عربستان و در مقیاس کم‌تر، امارات برای نفوذ در جمعیت اهل تنسن سواحل خلیج فارس و اقوام بلوچ شرق و جنوب شرق ایران است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۸۱). به نظر می‌رسد که اختلافات نژادی/ قومی نه تنها عاملی در راستای امنیتی و رقابتی کردن فضای راهبردی حاکم بر منطقه است، بلکه عاملی در راستای تشدید میزان تأثیر و فعالیت عامل ژئوپلیتیکی اختلافات مرزی و ارضی نیز هست. وجود منابع غنی نفت و گاز، خاصیتی هم‌افزا به عوامل از پیش موجود اختلاف‌زا بخشیده است. از دیگر عوامل فعال در زمینه امنیت‌زدایی در منطقه خلیج فارس، وجود تبعیض مذهبی در بُعد داخلی کشورها است.

تهدیدات برون منطقه‌ای

امریکا با حضور در منطقه خلیج فارس و اعمال نظام بازدارندگی یکجانبه و گسترده به عنوان طرف اصلی در نظام بازدارندگی منطقه‌ای ایران مطرح است (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۱۱). حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای، تأثیری دوچندان بر ترتیبات امنیتی منطقه گذاشته است. حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰، زمینه‌های لازم برای کسب موقعیت برتر نظامی آمریکا در خلیج فارس و حضور مستقیم آن در منطقه را بیش‌تر مهیا کرد (واعظی، ۱۳۸۹: ۲۰). آمریکا در حال حاضر یکی از پایگاه‌های بزرگ نظامی خود را در بحرین مکان‌گزینی کرده است (نیاکویی، ۱۳۹۰: ۲۶۰). با اشغال کویت از سوی عراق، عربستان نیز به سرعت با تقاضای ایالات متحده مبنی بر اعزام نیروهای امریکایی به خاک سعودی موافقت کرد (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۵۲). حال برخلاف دولت‌های جنوب خلیج فارس که آمریکا را بازیگری لازم برای نظام امنیتی منطقه‌ای می‌دانند، ایران با طرح لزوم خروج بازیگران فرامنطقه‌ای از خلیج فارس، بر الگوی مشارکتی و همکاری جویانه تأکید دارد. در این الگو حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند آمریکا، عنصری مداخله‌گر و برهم‌زننده نظم طبیعی منطقه تلقی می‌شود (واعظی، ۳۸۹: ۲۶). ایران خواستار خارج‌شدن هم‌مومن خارجی از منطقه است و امنیت را در یک نظام منطقه‌ای جست‌وجو می‌کند، اما سایر کشورهای منطقه چنین دیدگاهی ندارند (تائب، ۱۳۸۶: ۱۳۴). بنابراین عامل ژئوپلیتیک حضور نیروهای فرامنطقه‌ای در خلیج فارس و اختلاف دیدگاه کشورها

نسبت به پیامدهای امنیتی این موضوع، باعث شده است که به‌صورت عاملی غالب در راستای تولید واگرایی بیش‌تر و امنیتی شدن فضای منطقه فعال شود.

اختلافات ارضی و مرزی

مرز ابزار پایه‌ی یک دولت است، زیرا هیچ دولتی بدون داشتن سرزمینی با مرزهای مشخص نمی‌تواند پیشرفت داشته باشد (شوتار، ۱۳۸۶: ۱۹۱). مرزهای سیاسی کشورها در واقع، ویتترین هر کشور هستند، به‌همین علت به‌محض بروز اختلافات بین کشورها، مرزهای سیاسی آن‌ها متأثر خواهد شد (عزتی، ۱۳۸۶: ۱۴۱).

کشورهای منطقه خلیج فارس بر سر تعیین مرزهای خود با یکدیگر اختلاف دارند، به صورتی که تحدید حدود، علامت‌گذاری و قراردادهای مرزی آنها، هیچ دولتی را از اختلافات مرزی مصون نداشته است (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۱۵). چالش حل نشدن اختلافات مرزی و ناهماهنگی گریزناپذیر میان هشت کشور حوزه خلیج‌فارس کماکان استمرار دارد (کریمی‌پور، ۱۳۹۱: ۷۸). شرایط منحصر به فرد خلیج‌فارس چنین است که تمامی کشورها تا حدی با یکدیگر اختلافات سرزمینی دارند، به طوری که در هیچ منطقه‌ای از جهان به‌میزان خلیج فارس اختلافات ارضی مرزی وجود ندارد (اسدی، ۱۳۸۰: ۳۴۵). اختلافات، به‌عنوان عامل امنیتی‌کردن فضای راهبردی منطقه عمل می‌کند. تحمیلی‌بودن مرزها از نظر جغرافیای سیاسی (اسدی، ۱۳۸۰: ۳۵۱)، حکایت از ژرفای اختلاف‌انگیز بودن وضعیت مرزی و ارضی کشورهای خلیج‌فارس دارد. جداول زیر اختلافات ارضی و مرزی و درگیری‌های بین دولت‌های حاشیه خلیج‌فارس را نشان می‌دهد که حاکی از پرشماری و تمرکز این درگیری‌ها در این منطقه است.

جدول شماره ۲: جنگ و برخوردهای مرزی بین دولت‌های خلیج‌فارس

ردیف	کشورهای درگیر	تعداد جنگ‌ها و برخوردهای مرزی
۱	ایران - عراق	۸ سال جنگ (۱۹۸۸-۱۹۸۰)
۲	عراق - کویت	جنگ خلیج‌فارس (۱۹۹۱-۱۹۹۰)، حداقل ۲۰ برخورد مرزی بین سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۷۳
۳	عربستان - یمن	۴ جنگ در سال‌های ۱۹۲۶، ۱۹۳۴، ۱۹۶۲، ۱۹۶۹ و حداقل ۱۰ برخورد مرزی از ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۹
۴	عربستان - عراق	جنگ خلیج‌فارس ۱۹۹۱

ردیف	کشورهای درگیر	تعداد جنگ‌ها و برخوردهای مرزی
۵	عمان - یمن	جنگ ظفار و حداقل سه برخورد مرزی در سال‌های ۱۹۷۶، ۱۹۸۲، ۱۹۸۷
۶	فجیره - شارجه	برخورد مه ۱۹۷۹
۷	عربستان - قطر	برخورد سپتامبر ۱۹۹۲
۸	قطر - بحرین	برخورد ۲۶ آوریل ۱۹۸۶
۹	عمان - امارات	برخورد ۸ نوامبر ۱۹۹۲

منبع: جعفری ولدانی، ۱۳۷۴: ۱۸

جدول ۳: ژنوم ژئوپلیتیک اختلافات ارضی و مرزی بین کشورهای منطقه خلیج فارس

ردیف	طرفین	موضوع مورد اختلاف
۱	امارات و ایران	جزایر سه گانه
۲	عراق و کویت	ادعای ارضی عراق نسبت به جزیره‌ی بوبیان و حتی تمام کویت
۳	عراق و عربستان	مطامع ارضی عراق نسبت به بخش‌هایی از شمال شرقی عربستان
۴	عراق و ایران	ادعاهای الحاق گرایانه و انضمام طلبانه‌ی عراق نسبت به اروندرود
۵	عربستان و کویت	جزایر ام‌المرادیم و قروه و تحدید حدود فلات قاره
۶	عربستان و ابوظبی	واحه‌ی بوریمی
۷	عربستان و عمان	عدم توافق در مورد مرزهای عربستان و عمان
۸	عربستان و قطر	ادعای عربستان به مالکیت بر ۲۳ مایل از سواحل جنوب شرقی قطر، منطقه‌ی ابوالخفوس
۹	قطر و بحرین	اختلاف بر سر جزایر حواری و نوار زباره
۱۰	قطر و ابوظبی	برسر مالکیت جزیره‌ی حالول، آب‌های ساحلی فلات قاره، بندر نفتی ام‌السعید و خورالعدید
۱۱	شیخ‌نشین‌های امارات	وجود به‌تنهایی ۱۲ مورد اختلاف سرزمینی میان هفت شیخ‌نشین
۱۲	عربستان و بحرین	منطقه‌ی بوسفاح در منطقه‌ی مرزی
۱۳	ایران و کویت	عدم تحدید حدود مرزهای دریایی

منبع: خلیلی، ۱۳۹۲: ۱۳۵

تهدیدات زیست محیطی

زمین و جو آن دارای اکوسیستم واحدی است و هر خطری در هر بخشی از کره زمین، تهدیداتی را در بخش‌های دیگر در بردارد (گلاسنر،^۱ ۱۹۹۳: ۶۰۵)، بنابراین بسیاری از مسائل زیست محیطی نیاز به توجه سیاسی دارند، زیرا آن‌ها به‌عنوان سرچشمه تهدید

شناخته شده‌اند (امیدی، ۱۳۹۱: ۱۹۹). در این راستا گروهی از کشورهای عربی بر این عقیده‌اند که برنامه هسته‌ای ایران دارای پیامدهای زیست محیطی برای منطقه است (اشقلی، ۱۳۸۵: ۲۴). آنها مدعی هستند که نیروگاه اتمی بوشهر در صورت بروز هر حادثه غیر منتظره، سبب بروز تشعشعات هسته‌ای خطرناک خواهد شد و این امر بر محیط زیست، آب دریا و هوای منطقه اثراتی جبران‌ناپذیر خواهد گذاشت و آسیب‌های آن به طور کامل شامل کشورهای عرب حوزه خلیج فارس خواهد شد.^۱ تراکم بالای اشغال کرانه‌ها از سوی نظامیان برای مقاصد امنیتی یا در پوشش آن، ضمن آن‌که مساعدترین کرانه‌ها از دیدگاه شاخص‌ها و چشم‌اندازهای طبیعی را در برمی‌گیرد، پیامدهای زیست محیطی پرشماری نیز دارد (کریمی‌پور، ۱۳۹۱: ۷۶). از طرفی ساخت و ساز جزایر مصنوعی در خلیج فارس، به‌منزله یک جهش ژنتیک در نقشه ژنگان خلیج فارس به‌شمار می‌رود. از سال ۲۰۰۲، دومی ساخت جزایر مصنوعی را آغاز و دولت امارات اعلام کرد تا ده سال آینده، ۳۲۵ جزیره مصنوعی در آب‌های خلیج فارس خواهد ساخت (امیدی، ۱۳۹۱: ۲۰۱). کشور بحرین نیز دو مجمع‌الجزایر مصنوعی را در حال ساخت دارد و کشور قطر نیز در حال ساخت مجمع‌الجزایر مصنوعی به فاصله ۳۵۰ متر از سواحل خود است (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۹۱: ۱۲۴). احداث این جزایر افزون بر اینکه باعث پیچیده‌تر شدن اختلافات ارضی و مرزی موجود بین کشورهای منطقه و نیز باعث واگرایی و تیره‌شدن روابط کشورها خواهد شد (امیدی، ۱۳۹۱: ۲۰۸)، تبعات زیست‌محیطی هراس برانگیزی برای منطقه خواهند داشت. چرا که استعداد آلودگی خلیج فارس، ۴۷ بار بیش از نواحی مشابه دیگر در شمال است و شرایط طبیعی و دخالت انسان، به این آلودگی شدت بخشیده است (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۹۱: ۱۱۹). فعل و انفعالاتی مانند ساخت جزایر مصنوعی، حجم بالای ترانزیت نفت و عبور و مرور نفت‌کش‌ها، وجود اسکله‌های دریایی فراوان و استخراج نفت و گاز از فلات قاره، افزایش جمعیت سواحل و ورود آلاینده‌ها به آب‌ها، زمینه امنیتی شدن موضوع محیط‌زیست این پهنه آبی شده است.

کنش‌های امنیتی موجود در منطقه خلیج فارس

براساس مؤلفه‌های سطح امنیتی هرم سلسله مراتبی مازلو و تطبیق آن با موارد و شاخص‌های امنیت‌زدای منطقه خلیج فارس، می‌توان استدلال کرد که در ۳۰ سال گذشته، خلیج فارس در مقیاس جهانی تبدیل به دریای جنگ شده است (کریمی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۴۸). در این منطقه کشورها نسبت به یکدیگر در فضای ادراک متضاد قرار داشته و با نشانه‌هایی از «عدم اطمینان» روبرو هستند. این منطقه یکی از مناطقی است که از مشکلات امنیتی رنج می‌برد و سازه‌های امنیتی در آن وجود ندارد که در برگیرنده تمام کشورهای منطقه باشد. بر این اساس، هر دولتی محیط امنیتی خود را در عرصه جهانی و منطقه‌ای تعریف کرده و تهدیدات را شناسایی می‌کند تا برای مقابله با آن، برنامه‌ریزی کند (ملک‌محمدی، ۱۳۹۱: ۲۲۷). بنابراین نیاز به امنیت و رهایی از ترس و اضطراب، انگیزه اندرکنش و تکاپوی کشورهای منطقه به منظور دست یافتن به سطوح بالای امنیتی را فراهم کرده است. از آنجا که این اندرکنش‌ها در فضای امنیتی/نظامی منطقه دنبال می‌شوند و متغیرهایی با درون‌مایه منطقه‌ای/فرامنطقه‌ای بر آن تأثیر گذارند، نه تنها منجر به استقرار امنیت در فضای منطقه نمی‌شوند، بلکه موضوع امنیت را پیچیده‌تر می‌کنند. براساس هرم مازلو، انسان به منظور مرتفع کردن نیاز امنیتی خود در جوانب جانی، مالی، شغلی و... دست به کنش‌هایی می‌زند، در سطح منطقه خلیج فارس نیز چنین است و کشورهای پیرامون آن درگیر کنش‌هایی هستند که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

شورای همکاری خلیج فارس

از آنجا که تفکر ملی‌گرایی عرب بر این اساس است که ایران تمایل دارد تا حلقه امنیتی اعراب در منطقه را از بین ببرد و تفکر ایرانیان بر این متمرکز است که اعراب منطقه می‌کوشند تا منافع ایران را در خلیج فارس انکار کنند، نظرات متفاوتی از جانب کشورهای منطقه درباره سیاست امنیتی خلیج فارس بروز کرده است. به صورتی که پرداختن هر کشور به مسأله امنیت خود به منزله تهدید علیه کشور دیگر و مغایر با استقرار امنیت در منطقه خلیج فارس تلقی می‌شود (افشردی، ۱۳۹۱: ۱۲۸). این عامل موجب تمایل کشورهای منطقه به کنش‌های امنیتی یک جانبه و چند جانبه‌ای شده

است که شورای همکاری خلیج فارس از این نوع است. ایجاد شورای همکاری خلیج فارس بدون حضور ایران و عراق (پورتالب، ۱۳۸۹: ۳)، حکایت از یک اقدام امنیتی ناقص در منطقه دارد (اسدی، ۱۳۹۱: ۵). عربستان نقشی کلیدی در این شورا بازی می‌کند، به‌گونه‌ای که تحت تأثیر سه عامل قدرت مالی، حرکت در مماشات با غرب و قدرت‌گیری در منطقه، نوعی «امپریالیسم فرعی» تحت زعامت این کشور در منطقه بروز کرده است. محوریت خلیج فارس در اندیشه راهبردی سعودی بدان معنا است که عربستان هرگونه تهدید امنیتی علیه هر یک از کشورهای عضو شورای همکاری و یا نظام‌های حاکم بر آن‌ها را تهدید علیه امنیت خود تلقی می‌کند (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۵۴). این شورا یک سازمان امنیتی ناقص است و فقدان ترتیبات و سازه امنیتی - دفاعی جامع و کاملی میان هشت کشور پیرامون خلیج فارس، بستر اصلی دخالت‌های گسترده و رو به افزایش قدرت‌های فرمانطقه‌ای را فراهم کرده است (کریمی‌پور، ۱۳۸۸: ۲۳۵)، بنابراین نه تنها در زمینه دستیابی به امنیت نتایج مثبتی برای منطقه به ارمغان نیاورده است، بلکه زمینه‌ساز امنیت‌زدایی بیشتر از منطقه نیز شده است.

هویت‌زدایی (اختلاف بر سر نام خلیج فارس)

از مشهورترین اختلافات در منطقه که ریشه بسیاری از بحران‌ها و تنش‌ها را تشکیل داده است، اختلاف بر سر نام خلیج فارس است که کشورهای عربی از به کار بردن نام درست آن خودداری می‌کنند. اصطلاح موهون «خلیج عربی» برای نخستین بار از طرف یکی از نمایندگان سیاسی انگلیس در خلیج فارس به نام «سر چارلز بلگریو» عنوان شده و در واقع، او بود که به قصد تفرقه بین ایران و کشورهای عرب، این اصطلاح را در بین اعراب رواج داد (عجم، ۱۳۸۵: ۲۵۷). همچنین در سال ۱۹۵۰، جمال عبدالناصر رهبر مصر با استفاده از اصطلاح «خلیج عربی» به جای «خلیج فارس» اقدام به تحریف اسم خلیج فارس کرد (آلیسون،^۱ ۲۰۰۵: ۱۰۱). در دوران معاصر نیز اولین بار روزنامه انگلیسی تایمز لندن از این نام جعلی استفاده کرد و قصد آن منزوی کردن ایران و دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی میان ایران و اعراب بود (نورایی و شفایی، ۱۳۸۵: ۹۰). در چند سال اخیر کشورهای عربی به پشتوانه توان اقتصادی خود و بهره‌جویی از شرایط

۱- Alyson

حاکم بر ایران از قبیل؛ اعمال تحریم‌ها و انزوا، سرمایه‌گذاری‌های زیادی را بر روی تغییر نام خلیج فارس کرده‌اند و در این زمینه تبلیغات زیادی انجام می‌دهند. براساس هرم مازلو، این کنش از نشانگان فقدان احترام متقابل به ارزش‌های تاریخی و فرهنگی قلمداد می‌شود و در زمینه ورود به سطوح بالای هرم، مشکل‌آفرینی می‌کند.

نظامی‌گری و خریدهای تسلیحاتی

کشوری که مجبور است تا بیشترین درآمد خود را صرف امور نظامی و امنیتی کند، ملزم است از هزینه‌های توسعه کاهش داده و آن را در حوزه مناسبات امنیتی مصرف کند (رضایی، ۱۳۸۷: ۱۹۱). شتاب این روند در خلیج فارس چنان است که به بازار هدف سرمایه‌داری جنگ تبدیل شده است. هیچ منطقه دیگری در جهان نیست که چنین گسترده و باز در خدمت بنگاه‌های تولید سلاح ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه و آلمان باشد (کریمی‌پور، ۱۳۹۰: ۳۵). کشورهای منطقه خلیج فارس با عقد قراردادهای نظامی گسترده، منطقه را به انبار اسلحه تبدیل کرده‌اند و با واگذار کردن مسئولیت تأمین امنیت خود به آمریکا و اتصال راهبردی به آن کشور، همکاری‌های مهم راهبردی با قدرت فرمانطقه‌ای را به تلاش‌های درون منطقه‌ای برای امنیت‌سازی ترجیح دادند. مسأله‌ای که به از بین رفتن بسترهای لازم برای ایجاد ترتیبات امنیتی بومی در خلیج فارس منجر شده است (اسدی، ۱۳۹۱: ۷). با مطالعه رفتارهای سیاست خارجی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس می‌توان به این جمع‌بندی رسید که در فرایند سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی، واکنش تصمیم‌گیرندگان کشورهای منطقه تحت تأثیر پندارهای آنها از تهدیدهای منطقه‌ای بوده است و متناسب با آن، سیاست توسعه نظامی و تسلیحاتی خود را بنا نهاده‌اند. بنابراین، پندار از تهدید در دهه اخیر نقشی عمده در سیاست‌های امنیتی کشورهای این منطقه داشته است (ملک‌محمدی، ۱۳۹۱: ۲۳۷).

چنان‌که ایالات متحده در بزرگ‌ترین معامله تسلیحاتی برون مرزی تاریخ خود، طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۶، حدود ۱۲۴ میلیارد دلار کالا و خدمات نظامی به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس ارایه خواهد داد. تنها عربستان برای ده سال منتهی به ۲۰۱۸، بیش از ۶۷ میلیارد دلار سلاح از کارخانه‌های؛ لاکهید مارتین، ریتون، بویینگ و لاکهید خرید کرده است. این خرید تسلیحاتی مشهور به قرارداد قرن، به تنهایی ۱۸ برابر بودجه

عمومی افغانستان در سال ۲۰۱۱ است (کریمی‌پور، ۱۳۹۰: ۳۶). جدول شماره چهار هزینه‌های نظامی کشورهای عرب خلیج فارس را نشان می‌دهد که حاکی از شدت نظامی‌گری در این منطقه است.

جدول شماره ۴: هزینه نظامی کشورهای عرب منطقه خلیج فارس (میلیون دلار آمریکا)

سال/کشور	عربستان	امارات	قطر	کویت	عمان	بحرین	عراق
۱۹۹۷	۲۳۲۳۸	۳۷۶۲	۱۴۳۹	۳۹۸۴	۲۲۱۳	۴۰۳	۲۰۶۳
۲۰۰۰	۳۵۶	۲۳۲۴	۴۰۹۴	۱۳۲۷	۳۳۲۰	۲۴۳۴۵	۱۵۴۹
۲۰۰۱	۳۷۰	۲۶۵۶	۳۷۶۲	۱۸۸۱	۳۰۹۸	۲۷۳۳۲	۱۵۴۹
۲۰۰۳	۳۶۴	۲۷۶۶	۳۸۷۳	۲۱۰۳	۳۰۹۸	۲۴۵۶۷	؟
۲۰۰۵	۵۸۲	۳۳۴۲	۴۷۲۵	۲۴۲۲	۲۹۳۲	۲۸۱۰۸	؟
۲۰۰۷	۵۷۳	۳۴۳	۳۹۸۶	۱۱۵۹	۱۰۷۱۵	۳۷۶۳۰	؟
۲۰۰۸	۵۷۵	۴۸۶۱	۷۰۸۹	۱۸۲۲	۱۴۲۹۳	۳۹۷۶۶	؟
۲۰۰۹	۷۱۱	۴۱۴۱	۶۷۸۳	؟	۱۵۷۷۹	۴۲۰۴۲	؟

منبع: کریمی‌پور، ۱۳۹۰: ۳۶

بنابراین در منطقه خلیج فارس عواملی مانند؛ اختلافات ارضی و مرزی، تضادهای ایدئولوژیک، اتصال راهبردی به قدرتهای فرامنطقه‌ای به‌خصوص آمریکا و... تأثیرات بسزایی در گرایش کشورهای منطقه به سمت و سوی نظامی‌گری و خریدهای میلیاردی تسلیحاتی دارد. بازیگران منطقه‌ای با درک تهدیدها از دیدگاه خود اقدامات گوناگونی انجام می‌دهند و راهبرد نظامی خود را در ارتباط مستقیم با مؤلفه‌های امنیت درون ساختاری و ناامنی‌های منطقه‌ای پایه‌ریزی و حول محور حداکثرسازی امنیت ساختاری به خرید تسلیحات و توافقات دفاعی امنیتی با نیروهای فرامنطقه‌ای اقدام می‌کنند (ملک‌محمدی، ۱۳۹۱: ۲۲۷).

کشورهای منطقه خلیج فارس همواره در رأس کشورهای خریدار تسلیحات نظامی در جهان بوده‌اند، به طور مثال بر اساس تحقیقات انجام شده توسط مؤسسه تحقیقاتی صلح بین‌المللی استکهلم، عربستان سعودی در خاورمیانه بزرگترین خریدار تسلیحات نظامی است. به صورتی که در سال ۲۰۱۳ این کشور ۸.۹ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را به دفاع تخصیص داده است.^۱ این امر در جدول شماره پنج به خوبی نشان داده

شده است که از بیست کشور اول دنیا در رابطه با نسبت هزینه نظامی به تولید ناخالص داخلی، کشورهای منطقه خلیج فارس در رأس قرار دارند.

جدول شماره ۵: بیست کشور اول دنیا (براساس بودجه نظامی به نسبت تولید ناخالص ملی)^۱

رتبه	کشور	درصد از GDP	رتبه	کشور	درصد از GDP
۱	عمان	۱۱/۲	۱۱	برونئی	۵/۹
۲	قطر	۱۰	۱۲	سوریه	۵/۹
۳	عربستان	۱۰	۱۳	آنگولا	۵/۷
۴	عراق	۸/۶	۱۴	مالدیو	۵/۵
۵	اردن	۸/۶	۱۵	موریتانی	۵/۵
۶	اسرائیل	۷/۳	۱۶	ترکیه	۵/۳
۷	یمن	۶/۶	۱۷	کویت	۵/۳
۸	ارمنستان	۶/۵	۱۸	مراکش	۵
۹	اریتره	۶/۳	۱۹	السالوادور	۵
۱۰	مقدونیه	۶	۲۰	سنگاپور	۴/۹

پیامد اصلی نظامی‌گری در این منطقه که با افزایش تلاش‌ها برای ایجاد پایگاه‌های جدید و یا نوسازی پایگاه‌های قدیمی آمریکا همراه است، حاکمیت فضای امنیتی بر اندیشه دولتمردان، تصمیم‌سازان، برنامه‌ریزان و در مجموع، دولت-ملت‌های منطقه است.

استقبال از اقدامات مداخلات جویانه خارجی

متغیرهای ژئوپلیتیکی منطقه خاورمیانه در تعامل با تمایل زیاد مداخله خارجی جنبه منفی پیدا کرده‌اند، این وضعیت، شبکه خاورمیانه را در وضعیت؛ تهدیدات خارجی، قابلیت منطقه‌ای کم و ظرفیت سیاسی منطقه‌ای کم قرار می‌دهد که نتیجه آن، ترکیب مداخله خارجی و آسیب‌پذیری‌های داخلی به عنوان مهمترین تهدید علیه امنیت منطقه‌ای واحدهای حاضر در این منطقه است (قاسمی، ۱۳۸۹: ۵۹). در رأس دُول مداخله‌گر، آمریکا قرار دارد که از فردای پس از بروز جنگ سرد تلاش کرده است تا آزادی عملی را برای خود و به منظور مداخله در کشورهایی که روشنفکران ایالات متحده از آنها به عنوان کشورهایی که ارزش‌ها، منافع اقتصادی و تأسیسات آمریکایی در

کشورهای جهان سوم را تهدید می‌کند، نام می‌برند، فراهم آورد (اتوتایل و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۲۶). بر اساس برنامه ریگان، رییس جمهور وقت آمریکا، نیروهای فرامنطقه‌ای و ایالات متحده به هر شکل ممکن باید زمینه لازم برای حضور پیوسته خود در منطقه خلیج فارس را فراهم کنند (افشردی، ۱۳۹۱: ۱۱۳). با این تفاسیر، فرایند مداخلات خارجی در ابعاد گوناگون فرهنگی و اقتصادی و... در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس به طور اخص در جریان است. منطقه خلیج فارس از جمله مناطقی است که هم برای ایران دارای ارزش راهبردی و هم کانون تهدیدهای قدرتهای مخالف و مداخله‌گر علیه این کشور است (قاسمی، ۱۳۹۱: ۹۹). به نظر می‌رسد که بدین علت، کیفیت تعامل یا تقابل قدرتهای بزرگ در منطقه خلیج فارس و تأثیر آن بر منافع و موقعیت ایران در این منطقه از جمله ملاحظات باشد که در روند تعیین تصمیمات و ترجیحات کشور در قبال منطقه مذکور مورد توجه و مذاقه قرار می‌گیرد.

پیوندهای راهبردی و نظامی با کشورهای فرامنطقه‌ای

از اوایل سال ۱۹۶۰، عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان ترجیح داده‌اند که قدرتهای خارجی تأمین کننده امنیت کشورشان باشند. در این دوره، بیشتر کشورهای عربی این حوزه از بریتانیا پیروی می‌کردند و تنها عربستان سعودی بود که با آمریکا ارتباط برقرار کرده بود. اما از سال ۱۹۷۱ که انگلستان از این منطقه عقب‌نشینی کرد، همه کشورهای عربی این حوزه، سیاست چرخش به سمت آمریکا را در پیش گرفتند (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۰۹). ضعف نظام‌های پادشاهی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و استمداد سران آنها از قدرتهای فرامنطقه‌ای برای مقابله با تهدیدها، موجب حضور نظامی دراز مدت آمریکا و کشورهای غربی در منطقه خلیج فارس شده است (افشردی، ۱۳۹۱: ۱۱۳). از آنجا که امنیت تنگه هرمز و انتقال منابع انرژی، جزو جدایی ناپذیر علائق ژئوراهبردی آمریکا و غرب محسوب می‌شود، این قدرتها در سال‌های گذشته با انعقاد قراردادهای طولانی مدت دفاعی با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و با بهره‌برداری کامل از فرصتهای پیش آمده در هنگام جنگ اول خلیج فارس و همچنین حادثه ۱۱ سپتامبر، به مرور، استقرار و گسترش پُر حجمی از نیروهای نظامی (هوایی و دریایی) خود را در منطقه راهبردی خلیج فارس و دریای عمان شکل داده‌اند (افشردی، ۱۳۹۱: ۱۱۵).

بنابراین یکی از ابعاد عمده پیوندهای راهبردی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و آمریکا به تحولات منطقه مربوط می‌شود که در سال‌های اخیر، موجب ایجاد توازن بیش‌تر در مقابل ایران شده است. این توازن‌سازی بر مبنای این تصور قرار دارد که تحولات منطقه‌ای، به‌ویژه تغییر رژیم در عراق، موجب شده است که نفوذ منطقه‌ای ایران افزایش یابد (واعظی، ۱۳۸۹: ۲۵). از عوامل تقویت‌کننده و تعمیق‌دهنده این پیوند، کوچکی کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس است، چنین کشورهایی همیشه در مقابل عوامل خارجی مربوط به امور بین‌الملل آسیب‌پذیرتر هستند. حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ و حوادث روی داده در اولین جنگ خلیج فارس، درس بارز برای کشورهای حاشیه خلیج فارس بود (کامروا،^۱ ۲۰۰۹: ۴۱۱). از طرفی کشورهای عرب نیز در فضای اعتمادآمیزی نسبت به هم قرار ندارند، به طور مثال، بی شک خطر عربستان سعودی و بحرین تهدید کوچکی برای قطر نیست. از نظر امیر قطر، آسیب‌پذیری در مقابل تهدیدات داخلی و بین‌المللی بزرگ‌ترین چالشی بوده است که باید به‌طریقی آن را حل کرد (پیترسون،^۲ ۲۰۰۶: ۷۴۱) و استمرار این تهدیدات خارجی باعث شده است که قطر به راهبردهای تکمیل‌کننده از قبیل تکیه بر حامیان قدرت‌مند در برابر همسایگان بزرگ‌تر اعتماد کند (آنزاوا،^۳ ۲۰۱۱: ۵۲).

نتیجه‌گیری

دولت‌های خلیج فارس به دلیل اختلاف در مصالح، اهداف و اولویت‌های سیاسی، تصور یکسانی از امنیت منطقه ندارند. فرآیند فقدان تصور یکسان، موجب اتخاذ رویکردهای متفاوت و متعارضی در عرصه سیاست خارجی این کشورها شده است، بنابراین ایجاد اتحادهای امنیتی ناقص و فقدان توافق جمعی کشورها باعث شده که نظرات متفاوتی درباره سیاست امنیتی این منطقه شکل بگیرد. ایران منبع اصلی تهدید علیه امنیت منطقه را حضور نیروهای خارجی به‌خصوص آمریکا می‌داند، در حالی که دیگر کشورهای منطقه از جمله قطر، کویت، امارات و... تأمین امنیت در منطقه خلیج فارس از راه حضور نظامی آمریکا و میزبانی از یگان‌ها و نیروهای نظامی آنها را قابل دست‌یابی می‌دانند. بنابراین موضوعات امنیتی به دغدغه اصلی این کشورها تبدیل شده است. این وضعیت، همخوانی و

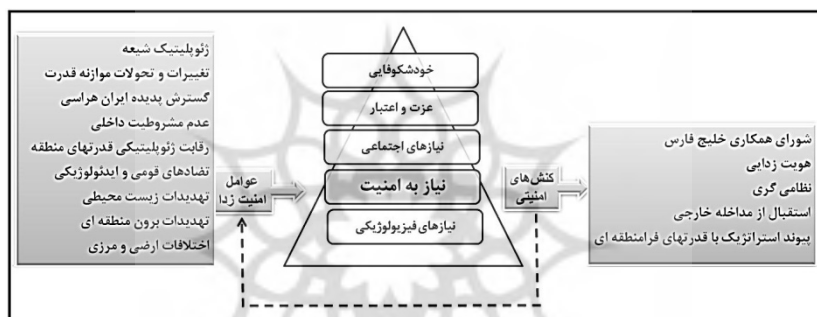
۱- Kamrava

۲- Peterson

۳- Anzawa

تطابق خاصی با هرم نیازهای انسانی مازلو دارد. از نظر او مهم‌ترین نیاز از نظر روحی، امنیت است که به عنوان مهم‌ترین هدف زندگی و جوهر سلامت روانی فرد تلقی می‌شود (فروم، ۱۳۶۰: ۱۱). در طبقه‌بندی نیازها، امنیت پس از نیازهای فیزیولوژیک (آب و غذا و...) به عنوان دومین طبقه از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نیازها معرفی شده است. به عقیده مازلو، هنگامی که نیازهای فیزیولوژیک برآورده شدند، بلافاصله مردم توجه‌شان به برآورده کردن و ارضای نیازهای سطح بالاتر نظیر امنیت معطوف می‌شود (صالحی، ۱۳۸۷: ۲۲). شکل شماره دو، ارتباط و قیاس بین موارد امنیت‌زدا و کنش‌های امنیتی کشورهای پیرامون منطقه خلیج فارس با هرم سلسله مراتبی نیازهای مازلو را نشان می‌دهد.

شکل شماره ۲: ارتباط‌سازی شاخص‌های امنیت‌زدایی و کنش‌های امنیتی منطقه‌ی خلیج فارس با هرم مازلو



منبع: نگارندگان

مهم‌ترین شاخص‌های امنیت‌زدایی در این منطقه در نه مورد دسته‌بندی شده‌اند. این عوامل موجب شده‌اند که رویکردها و سیاست‌های امنیتی اتخاذ شده از جانب کشورهای منطقه، متفاوت، متنوع و گاهی متعارض باشند. براساس شکل دو، مهم‌ترین کنش‌های امنیتی منطقه نیز در پنج دسته طبقه‌بندی شده‌اند. بنابه دلیل تعارض در عرصه سیاست خارجی، زمینه‌های چیرگی فضای راهبردی امنیتی - نظامی بر منطقه مهیا است. در چنین فضایی، صداقت در رفتار و کردارهای سیاسی و ژئوپلیتیکی رخت بر می‌بندد، احترام متقابل به ارزش‌های تاریخی، قومی، فرهنگی و مذهبی طرفین کم‌رنگ می‌شود، فضا برای فعالیت‌های مخرب گروه‌های افراطی مهیا شده و شکل‌دهی به فضای احترام‌آمیز بر اساس اطمینان و اعتماد متقابل مشکل می‌شود و در مجموع، راه‌های دستیابی به ارضای نیازهای سطوح عالی‌تر هرم مازلو مسدود می‌شود. در نتیجه این

امر، کشورهای منطقه به کنش‌های امنیتی متعددی مبادرت می‌کنند که بیشتر موجب تعمیق اثرات ناشی از موارد امنیت‌زدا می‌شوند. شورای همکاری خلیج فارس، خریدهای سنگین نظامی و روی‌آوری به نظامی‌گری در منطقه، پیوند راهبردی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای و... با توجه به شرایط منطقه، نه تنها پاسخ‌های منطقی و متناسبی به تهدیدات امنیتی نیستند، بلکه موجبات پیچیده شدن وضعیت امنیت در منطقه را فراهم می‌کنند. از طرفی، این کنش‌ها موجب وابستگی کشورهای منطقه به بازیگران فرامنطقه‌ای شده و انحرافی در جریان سرمایه‌گذاری‌ها از سمت و سوی اقتصادی به سمت و سوی نظامی‌گری به وجود می‌آورند که احتمال سقوط به رده پایین و ابتدایی هرم (درگیر و دل‌مشغول شدن نیازهای فیزیولوژیک) را مهیا می‌کند.

جدول شماره ۱: متغیرها و کنش‌های ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس و پیامدهای آن (براساس هرم مازلو)

پیامدهای حاصل از آن (براساس هرم مازلو)	متغیرهای ژئوپلیتیک امنیت‌زدا در منطقه خلیج فارس
این عوامل موجب شده‌اند که اولویت اول سیاست خارجی اکثر کشورهای منطقه، معطوف به موضوع امنیت باشد. بنابراین فضای راهبردی حاکم بر منطقه، مملو از احساس ناامنی است. چنین وضعیتی موجب می‌شود که صداقت، اعتماد، اطمینان و احترام متقابل از کردارهای سیاسی و ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه دور شود. بنابراین دل‌مشغول بودن مقوله امنیت از جانب کشورهای منطقه، راه ورود به برطرف کردن نیازهای عالی‌تر از قبیل؛ خودشکوفایی و کسب توان حل مشکلات با توان درون منطقه‌ای، احترام متقابل به ارزش‌های تاریخی، قومی و هویتی یکدیگر، شکل‌دهی به فضای اعتماد و احترام‌آمیز و تبادلات فرهنگی و هنری و... را مسدود کرده است. مادامی که این کشورها انرژی خود را برای مقوله امنیت مصروف کنند از دست‌یابی به دیگر اهداف عالی محروم خواهند بود.	تردید و ترس نسبت به ژئوپلیتیک شیعه تغییر و تحول موازنه قدرت در منطقه رواج پدیده ایران هراسی اختلافات ارضی و مرزی کمبود منابع آب به عنوان یکی از اصلی‌ترین نیازهای فیزیولوژیک تهدیدات زیست محیطی در منطقه فقدان مشروعیت داخلی تعدادی از کشورهای منطقه تأثیر عامل القاعده و گروه‌های فشار رقابت‌های ژئوپلیتیکی کشورهای رقیب در منطقه تضادهای قومی و ایدئولوژیکی در ابعاد داخلی و منطقه‌ای تهدیدات برون منطقه‌ای و تمرکز این تهدیدات در منطقه
پیامدهای حاصل از آن (براساس هرم مازلو)	کنش‌های امنیتی موجود در منطقه در تقابل با موارد امنیت‌زدا
چنین اقداماتی هرچند به منظور دست‌یابی به امنیت است، اما بازتاب‌های آن‌ها تنها ناامنی را در منطقه تعمیق بخشیده و تأثیر آنها به اصطلاح یک گام به عقب است. چنین اقداماتی اگر با شدت بیشتری دنبال شوند، شاید شرایط نزول و سقوط کشورهای منطقه به رده پایین‌تر هرم یعنی ارضای نیازهای فیزیولوژیک را فراهم کنند.	شورای همکاری خلیج (فارس) هویت‌زدایی (اختلاف بر سر نام خلیج فارس) نظامی‌گری و خریدهای تسلیحاتی غیر معقول استقبال از اقدامات مداخله جویانه خارجی پیوند راهبردی و نظامی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای

منبع: نگارندگان

بنابراین تا هشت واحد سیاسی پیرامون این دریا به یک دیدگاه همگن یا نزدیک ژئوپلیتیکی دست نیابند، تداوم ناامنی، بحران، جنگ و نظامی‌گری، رشد یابنده و دور از انتظار نخواهد بود (کریمی‌پور، ۱۳۹۰: ۲۹). همچنین تا هنگامی که ناامنی تداوم داشته باشد، تکاپو و اندرکنش این هشت کشور، معطوف به برطرف‌سازی امنیت با رویکردهای متضاد و غیرمتعارف است که از جانب دیگر بازیگران منطقه به عنوان یک عامل ناامنی و تهدید قلمداد شده و موجب تعمیق پیچیدگی موضوع امنیت می‌شود. در چنین فضایی و با چنین رویکردهایی روزه‌ها و کانال‌های دست‌یابی به سطوح عالی‌تر و بالای هرم مازلو، مسدود و دست‌نیافتنی خواهد بود. از نشانگان انتقال وضعیت به مراتب بالای هرم، افزایش تبادلات و همکاری‌های علمی، افزایش حجم تبادلات تجاری فی‌مابین، افزایش مسافرت‌ها و رونق گردشگری درون منطقه‌ای، رونق بازارچه‌های مرزی و مناطق آزاد تجاری، مشارکت در طرح‌های امنیتی، حجم بالای ملاقات‌های سیاسی در بالاترین سطوح، ائتلاف و اجماع در حل مشکلات منطقه با ظرفیت و توان منطقه‌ای و... است. با توسل به اصول و مبانی ژئوپاسفیک و حاکمیت اراده سیاسی دولتمردان در این راستا این مهم دست‌یافتنی است.

منابع

- ابراهیمی، شهروز (۱۳۸۳). عربستان سعودی و سیستم جدید قدرت در خلیج فارس. مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره پیاپی ۲۵.
- ابراهیمی، شهروز و همکاران (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی رویکرد امنیتی اسلام با رویکرد امنیتی رئالیسم و لیبرالیسم. فصلنامه مطالعات جهان اسلام، سال اول، شماره چهارم.
- ابوالقاسمی، عباس؛ کردی، حسن (۱۳۸۹). رابطه بین سلسله مراتب نیازهای مازلو و جهت‌گیری پیشرفت در کشتی‌گیران شرکت کننده در دومین المپیاد ورزشی ایرانیان. فصلنامه المپیک، سال هجدهم، شماره ۳.
- اتوتایل، ژناروید؛ دالبی، سیمون؛ روتلج، پاول (۱۳۸۰). اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم. ترجمه محمدرضا حافظنیا و هاشم نصیری، تهران: وزارت امور خارجه.
- اسدی علی‌اکبر (۱۳۹۰). سیاست خارجی قطر و تحولات عربی: مبانی و مؤلفه‌ها. مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال ۱۲، شماره ۴۷.
- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۱). شورای همکاری خلیج فارس و تحولات جهان عرب: دگرذیسی در اهداف و منافع. گزارش راهبردی، شماره ۴۲۵، مرکز تحقیقات استراتژیک معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- اشقلی، مجیدعباس (۱۳۸۵). جهان عرب و ایران هسته‌ای. مجله گزارش، شماره ۱۷۲ و ۱۷۳، اسفند ۱۳۸۴ و فروردین ۱۳۸۵.
- افشردی، محمدحسین (۱۳۹۱). شناسایی ظرفیت‌های حقوقی محدود کننده تحرکات نظامی نیروهای فرامنطقه‌ای در هوا و آب‌های خلیج فارس. فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دهم، شماره ۳۹.
- پوراحمدی، حسین؛ رضایی، مسعود (۱۳۹۲). ارزیابی و تبیین ابعاد حمله نظامی احتمالی به ج.ا.ایران. فصلنامه راهبرد دفاعی، سال یازدهم، شماره ۴۳.
- پورطائب، روح‌الله (۱۳۸۹). مسائل ژئوپلیتیکی، امنیتی، اقتصادی و دفاعی حوزه خلیج فارس. خلیج فارس و امنیت، اردیبهشت ماه ۱۳۸۹.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا و همکاران (۱۳۹۱). پیامدهای زیست‌محیطی و حقوقی ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۹.
- تائب، سعید؛ خلیلی، حسین (۱۳۸۶). اولویت‌های امنیت‌سازی در خلیج فارس با رویکرد امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران. مطالعات دفاعی استراتژیک، سال هشتم، شماره ۳۰.

- جوادی‌ارجمند، جواد حق‌گو؛ عظیم‌زاده، جعفر (۱۳۹۱). حوزه‌ی تمدنی ایران، جهانی‌شدن و آینده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه. فصلنامه مطالعات جهان اسلام، سال اول، شماره چهارم.
- جوادی‌ارجمندی، محمدجعفر؛ بیدالله‌خانی، آرش (۱۳۹۱). تهدیدات استراتژیک و منابع داخلی و خارجی تنش‌زا در محیط امنیتی خلیج فارس. هشتمین همایش ملی خلیج فارس.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۹). ریشه‌های سیاست خارجی تعاملی - تقابلی ایران در دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد. فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۲.
- حقیقی، جمال؛ مهربانی‌زاده هنرمند، مهناز؛ زندی دره غریبی، تاج محمد (۱۳۷۹). رابطه سلسله مراتب نیازهای مزلو با اضطراب آموزشی و عملکرد تحصیلی با کنترل وضعیت اجتماعی - اقتصادی. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال هفتم، شماره های ۱ و ۲.
- حیدری‌عبدی، احمد (۱۳۷۸). اتحادیه منطقه‌ای خلیج فارس موانع و مشکلات شکل‌گیری. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره‌های ۱۴۵ و ۱۴۶، مهر و آبان.
- خلیلی، محسن؛ حیدری، جهانگیر؛ یاری، منیر (۱۳۹۲). ژنگان ژئوپلیتیک منطقه‌ی خلیج فارس (سنجش همگرایی/واگرایی درون منطقه‌ای با بهره‌گیری از تکنیک سوات). فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۶۸.
- رضایی، ناصر؛ حیدری‌فر، محمدرئوف (۱۳۸۹). درآمدی بر جغرافیای سیاسی. تهران: سپاهان.
- روحی‌دهبند، مجید (۱۳۹۰). تبیینی سازه‌انگارانه از علل واگرایی ایران و شورای همکاری خلیج فارس. روابط خارجی، سال ۴، شماره ۱.
- زین‌العابدین، یوسف (۱۳۸۵). تأثیر جغرافیای سیاسی دریایی بر حاکمیت دولت‌ها (با تأکید بر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران). فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی، سال اول، شماره ۲.
- سیف‌زاده، حسین؛ روشندل، جلیل (۱۳۷۹). تعارضات ساختاری در منطقه خلیج فارس (داخلی، منطقه‌ای، بین‌المللی). تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۹). هم‌گرایی منطقه‌ای در سیاست خارجی ایران: با نگاهی به آسیای جنوب غربی. روابط خارجی، سال دوم، شماره ۵.
- شاملو، سعید (۱۳۷۷). مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت. تهران: انتشارات رشد.
- شجاعی، محمد صادق (۱۳۸۶). نظریه نیازهای معنوی از دیدگاه اسلام و تناظر آن با سلسله مراتب نیازهای مازلو. دو فصلنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال اول، شماره ۱.

- شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۸۹). ایران هراسی: دلایل و پیامدها. فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال دوم، شماره ششم.
- شوتار، سوفی (۱۳۸۶). شناخت و درک مفاهیم جغرافیای سیاسی. ترجمه سیدحامد رضیعی، تهران: سمت.
- صادقی، حسین؛ احمدیان، حسن (۱۳۸۹). عربستان سعودی؛ از هژمونی نفتی تا رهبری منطقه‌ای. روابط خارجی، سال دوم، شماره ۳.
- صالحی، اسماعیل (۱۳۸۷). ویژگی‌های محیطی فضاهاى شهری امن. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی و معماری.
- عجم، محمد (۱۳۸۵). خلیجی به نام فارس (نقدی بر عملکرد رسانه‌های عربی در مورد نام خلیج فارس). فصلنامه یاد، شماره ۸۰، تابستان ۱۳۸۵.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۶). نظریه‌های جدید جغرافیای سیاسی. تهران: قومس.
- فروم، اریک (۱۳۶۰). جامعه سالم. ترجمه اکبر تبریزی، تهران: انتشارات بهجت.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۹). مدل ژئوپلیتیک امنیت منطقه‌ای: مطالعه موردی خاورمیانه. فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره دوم.
- قاسمی، فرهاد؛ ماله‌میر، احمد (۱۳۹۱). تأثیر محیط راهبردی خلیج فارس بر طراحی نظام بازدارندگی منطقه‌ای ج.ا.ایران. فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دهم، شماره ۴۰.
- فرایی، فریبا و همکاران (۱۳۸۹). بررسی و سنجش حس امنیت در مناطق مختلف شهری. فصلنامه آرمانشهر، شماره چهار، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
- قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۹). اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل. چاپ شانزدهم، تهران: سمت.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۴). روان‌شناسی شخصیت. تهران: نشر پیام نور.
- کریمی‌پور، یدالله؛ کریمی‌پور، کوثر (۱۳۹۱). مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی و رویکردهای نظامی. فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیای ایران (جغرافیا)، دوره جدید، سال دهم، شماره ۳۳.
- کریمی‌پور، یدالله؛ کریمی‌پور، هدی؛ کریمی‌پور، کوثر (۱۳۹۰). اکولوژی سیاسی. تهران: انتشارات دانش‌پویان جوان.
- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۹۰). بررسی زمینه‌های جابه‌جایی کلان جنگ‌های فراگیر در خاورمیانه. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، جلد ۱۹، شماره ۲۲.
- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۸۸). ژئوپلیتیک کرانه‌های دریایی ایران از دیدگاه مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت معلم.

- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید). تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- کوهن، سائول برنارد (۱۳۸۷). ژئوپلیتیک نظام جهانی. ترجمه عباس کاردان، تهران: ابرار معاصر.
- ملک‌محمدی، حمیدرضا؛ داودی، مهدی (۱۳۹۱). تأثیر ایران هراسی بر سیاست‌های نظامی امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس. فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۲.
- موثقی، سیداحمد؛ غنیمی‌فرد، دلارام (۱۳۹۱). نفت و دموکراسی: مورد کشورهای صادرکننده نفت. فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۲.
- نورایی، منوچهر؛ شفایی، سعید (۱۳۸۵). امنیت خلیج فارس: گذشته، حال، آینده. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام‌شهر.
- نوروزی، زینب؛ اسلام، علی‌رضا؛ کرمی، محمد حسین (۱۳۹۱). بررسی شخصیت بهرام در هفت پیکر با توجه به نظریه مزلو. متن شناسی ادب فارسی، سال چهارم، شماره ۴.
- نیاکویی، سیدامیر (۱۳۹۰). تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا و پیامدهای متفاوت. روابط خارجی، سال سوم، شماره ۴.
- واعظی، محمود (۱۳۸۹). نقش قدرت‌های بزرگ در منطقه خلیج فارس و چالش‌های هژمونی آمریکا. روابط خارجی، سال ۲، شماره ۶.
- Alyson J. K. Bailes (۲۰۰۵), Europe and Iran Perspectives on Non-proliferation, Oxford University Press ۲۰۰۵, Published in the United States
- Anzawa Munehiro , (۲۰۱۱) , Al Jazeera as a Political Tool Within the Contradictions of Qatar , The American University in Cairo , School of Global Affairs and Public Policy , A Thesis Submitted to the Department of Middle East Studies
- Diamond, Larry (۲۰۰۸), The Spirit of Democracy: The Struggle to Build Free
- <http://www.aawsat.net/۲۰۱۴/۰۱/article۵۵۳۲۷۰۹> (۲۰۱۴); Report: Defense spending in Middle East defies global trends, Sunday, ۱۲ Jan, ۲۰۱۴
- <http://www.globalsecurity.org/military/world/gulf/kuwait-army.htm>
- Jane Kinninmont, Gareth Stansfield & Omar Sirri (۲۰۱۳), Iraq on the International Stage, Foreign Policy and National Identity in Transition, Publication by The Royal Institute of International Affairs, ۲۰۱۳
- Kamrava ,Mehran ,(۲۰۱۱), Mediation and Qatari Foreign Policy ,Middle East
- Landler, Mark (۱۵ February ۲۰۱۰), Clinton raises U.S. Concerns of Military



- Peterson J.E , (۲۰۰۶) , Qatar and the World: Branding for a Micro-State , Middle East Journal , Vol.۶۰, No.۴, Autumn
- Pettyjohn, Stacie L. and Evan Braden Montgomery (۱۹ July ۲۰۱۳), Balanced Forces for a Complex Region, Foreign Affairs, available in: <http://www.foreignaffairs.com/articles/۱۳۹۵۹۱/stacie-l-pettyjohn-and-evan-braden-montgomery/by-land-and-by-sea>.
- Tripp, Charles. (۲۰۰۷). A History of Iraq, Cambridge University Press, New York, N.Y., ۳۵۷ p.
- <http://www.sipri.org/yearbook/۲۰۱۱/files/SIPRIYB۱۱summary.pdf>.

